یادداشت

از فقر نگران باشیم یا سوءمدیریت

کمال‌الدین پیرموذن
نماینده اسبق مجلس

مدیریت، از ضعیف‌ترین کشورها قوی‌ترین کشورها را می‌سازد. ژاپن و آلمان بعد از جنگ جهانی با کفایت و مدیریت و بها دادن به اقتصاد مولد و بهره‌گیری از مشارکت و همکاری موثر ملت از زیرکوهی از خرابی مادی و معنوی خارج شدند و اقتصادی پویا را برای ملت خود فراهم آوردند. اکنون دولتی در ایران بر سر قدرت قرار گرفته است که امیدهایی به وجود آورده بود تا شرایط معیشت مردم را بهتر کند. اما هستند مدیرانی که در دولت در مدارج عالی قرار گرفته‌اند ولی فاقد تجربه و تخصص کافی هستند. البته واقعیت آن است که انتخاباتی که این دولت از آن خارج شد نیز همانند انتخابات‌های گذشته رقابتی نبود. دولت با وعده‌هایی که داد در شرایطی که دو قوه دیگر با او هم‌نظر و هم اندیشه بودند؛ کار خود را آغاز کرد. برخی از دولتمردان نیز این روزها از بدخواهی مردم نه از قطعی آب را به عملکرد دولت سابق نسبت می‌دهند. این درحالی است که دولت خود مقصر شرایط کنونی است چگونه می‌توان از مدیری که فاقد تجربه است انتظار داشت که دستگاه تحت مدیریت خود را به خوبی مدیریت کند. از سوی دیگر دولت شعار می‌دهد که به دنبال حل مشکلات است. دولتمردان با فراخوانی از اقتصاددانان مطرح؛ دل در حل مشکلات ملت داشته باشند. با فراگفتنی نمی‌توان در دل ملت جایی برای خود باز کرد. دولت باید چند برنامه را در دستور کار خود قرار دهد. اول تعامل با دنیا داشته گفتمان صلح و دوستی را در دستور کار خود قرار دهد. دوم اینکه باید به خواسته‌های ملت پاسخ دهد. زیرا تمام توان جمهوری اسلامی به پشتوانه ملت بازمی‌گردد. دولت مدام در افزایش نقدینگی تلاش دارد با افزایش پایه پولی نمی‌توان کاری را جلو برد. با افزایش نقدینگی و کاهش ارزش پول ملی جز تورم چیزی عاید این کشور نمی‌شود. چنین اقداماتی ناشی از سوء مدیریت است. اکنون نیز نباید در مورد هیچ چیز جز سوء مدیریت در این کشور نگران بود حتی از توزیع فقر نباید به اندازه سوء مدیریت نگران بود.

نگاه

معین‌الدین سعیدی:

ما شأنی جز نوکری مردم نداریم

یک نماینده مجلس درباره اظهارنظر برخی نمایندگان پیرامون افراد بازداشت شده حوادث اخیر کشور و درخواست اجرای حکم سریع اعدام برای این بازداشت‌شدگان، گفت: چنین اظهارنظرهایی ناراحت‌کننده است، ما این رفتارها را با بزرگان سیره دین‌مان مقایسه می‌کنیم، متهمان است در جنگ جمل حضرت علی علیه‌السلام هنگامی که به کشته‌های دشمن می‌رسد، گریه می‌کرد که چرا کار اینها به جایی رسیده که کشته شوند؟ معین‌الدین سعیدی اظهار داشت: فارغ از موازین حکم‌های حقوقی که به برخی افراد در این روزها داده می‌شود، برخی از همکاران می‌گویند این پدیده، پدیده مبارکی است و یا اظهارنظر دیگر دوستی را می‌شنویم که می‌گوید ۵ تا ده روز بعد از اینکه معترض‌ها را گرفتند باید اعدام‌شان کرد، تازه الان بسیار دیر هم هست، اینها را نه اخلاقی می‌دانم و نه انسانی ما پیرو پیامبری هستیم که رحمت للعالمین است. وی تاکید کرد: به هر دلیلی فارغ از بحث‌های حقوقی که آیا حکم این افراد صدق می‌کند یا خیر، به نظر من جای خوشحالی ندارد و جای دلسوزی و نگرانی دارد و کسانی دلسوز کشور هستند باید به این فکر کنند که چرا کار به جایی کشیده است که کسانی که فرزندان همین آب و خاک هستند وارد چنین موضوعاتی شده‌اند و من فکر می‌کنم چنین حرف‌هایی با نمایندگی مردم که رسالت ماست، فرق دارد. ما شأنی جز نوکری مردم نداریم در چنین شرایطی خیلی از این بحث‌هایی که شده است را نه اخلاقی می‌دانم، نه حقوقی و نه مبتنی بر موازین دین خودمان می‌دانم. سعیدی درباره اینکه رئیس قوه‌قضائیه به نمایندگان تذکر داده‌اند به کار قانون‌گذاری بپردازند و در کار قوه قضائیه دخالتی نداشته باشند، بیان کرد: قاعده باید بالعکس باشد معمولا قوه قضائیه از نهادهای سخت قانون را نشان می‌دهد و نمایندگان مردم باید سعی در نرم کردن این مواضع داشته باشند اما آنچه که امروز از سوی برخی از همکاران مشاهده می‌کنیم، پدیده بسیار ناراحت‌کننده‌ای است و کار به جای رسیده که رئیس قوه‌قضائیه از گفت‌وگو صحبت می‌کند و کسانی که رسالت نمایندگی مردم را بر دوش دارند و باید بانیان ایجاد فضای گفت‌وگو باشند، این گونه حرف می‌زنند! وی با اشاره به اینکه یکی از اشکالات عدیده‌ای که در کشور ایجاد می‌شود این است که ما گفت‌وگو را یاد نگرفتیم، اظهار کرد: کار به جای رسیده در صداوسیما هنگامی که مدافعان و مخالفان احکام اخیر باهم بحث داشتند، مجری با شگفتی می‌گفت که این برای اولین بار است که چنین اتفاقی می‌افتد. درحالی که در کشورهایی که مدافع دموکراسی و مردم‌سالاری هستند این امر یک پدیده بسیار معمول است. سعیدی درباره اینکه تعدادی از بازداشتی‌های حوادث اخیر زیر ۱۸ سال هستند، مجلس شورای اسلامی به این بخش از بازداشت‌ها ورود پیدا خواهد کرد، بیان کرد: کشور ما در بخش بین‌الملل به برخی از کنوانسیون‌های حقوق کودک پیوسته و طبیعتا یکسری الزامات حقوقی هم مترصد بر موضوع است. اگر فردی در این ناراحی انسان بی‌گناهی را کشته باشد، قانون مشخص و مجازات‌های قانونی هم پیش‌بینی شده است اما گاهی برخی کسانی که احکام سنگین برای‌شان اعمال می‌شود ممکن است کسانی باشند که اسیبی به کسی نزده باشند، اما تحت عنوان محارب احکام را برای‌شان پیش‌بینی می‌کنند معتقدم اینجا قاضی دستش باید باز باشد و حداکثر ارفاقات قانونی را برای کسانی که آزاری به کسی نرسانده‌اند، داشته باشد.

سیدحسن رسولی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

تئوری‌های دولت‌داری تغییر کند نه صف و ستادها

آرمان ملی: چه باید کرد؟ مهم‌ترین سوالی است که این روزها در رسانه‌ها از کارشناسان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پرسیده می‌شود. به‌راستی چه باید کرد؟ شرایط جامعه به گونه‌ای است که کسی دل و دماغی ندارد. البته باید آینده را روشن دید. به‌طور یقین آینده از امروز بهتر خواهد بود اما همه امیدها به این سمت رفته است که تغییراتی ایجاد خواهد شد؛ تغییراتی که نوعی حکمرانی خوب را به وجود آورد و در پس آن شرایط جامعه مطلوب‌تر شود. دولت سیزدهم اگر چه از یک انتخابات کمتر رقابتی خارج شد اما بسیاری حتی منتقدان ابراهیم رئیسی معتقد بودند چون او توانسته با بر خی دانه‌درشت‌های اقتصادی در قوه‌قضائیه برخورد کند، اکنون هم خواهد توانست مشکلات کشور را حل کند. دولت وعده داد که مساله معیشت مردم را حل خواهد کرد، هر چند که معیشت مردم را به پرونده هسته‌ای گره زنی‌زده اما در عین حال به دنبال بازگشت به برجام و توسعه روابط بین‌المللی ایران هم هست. بسیاری به وعده‌های دولت دل بسته بودند حتی بازگشت به برجام و کاهش تنش اقتصادی را در دسترس می‌دانستند اما واقعیت آن است که نشد آنچه باید می‌شد که مردم انتظار آن را داشتند. به بهانه بررسی شرایط کشور «آرمان ملی» با سید حسن رسولی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب به گفت‌وگو پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

دولت مدام از بهبود شرایط، کار برشتاب و توسعه علمی کشور می‌دهد اما عملا مردم و خصوصا طبقات پایین جامعه تاثیر این اقدامات را در سفره خود مشاهده نمی‌کنند چرا؟

یکی از مهم‌ترین دلایل آسیب‌دیدگی روابط و مناسبات دولت با ملت در ایران، تفاوت نگرش دو طرف نسبت به شرایط امروز جامعه است. فاصله‌ای بین تصویرگری دولت از وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور با واقعیاتی که مردم در فضای واقعی زندگی خود با آن مواجهه هستند، وجود دارد و این اختلاف تحلیل‌ها و استنادهای دولت است. تردیدی نیست که در صورت وجود چنین شکاف دیدگاهی بین هر ملت و دولتی، مخالفان آن دولت از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند.

شکاف بین آنچه بیان می‌شود و ملت می‌بینند عیان است که نیاز به بیان ندارد. چه باید کرد که برخی مسئولان حداقل واقعیت‌های جامعه را ببینند؟

من فکر می‌کنم دولت تا وارد مشکلات زندگی روزمره مردم نشود نخواهد توانست تحلیل صحیح ارائه دهد و به علت‌پردازی شرایط اقتصادی موجود بپردازد و تا دولت به این مهم نرسیده است که به سمتی حرکت کند که شکاف گفتمانی بین واقعیت جامعه که مورد مطالبه اکثریت مردم هست را با گفتمان رایج حود کم کند؛ اصلی‌ترین سرمایه مورد نیاز حکمرانی که سرمایه اجتماعی است را به‌طور کامل با خود همراه نخواهد داشت. ابتدا باید در حوزه نظری و گفتمانی با عدول از تحلیل‌های غیردقیق و قبول واقعی بودن بخشی از دلایل در عرصه عمل و اقدام به دنبال رفع موانع مذکور بود و با اصلاح نظام تحریم‌ها در حوزه سیاست داخلی با تلاش برای رونق اقتصادی و توسعه اقتصادی و افزایش میزان سرمایه‌گذاری و بزرگ‌تر شدن کیک اقتصادی شرایطی را فراهم آورد که به صورت ساختاری روند کاهش فقر جانشین فرایند افزایش فقر شود. در این معنا که نرخ بیکاری معکوس شود، تورم سیر نزولی پیدا کند. اگر مردم این شاخص‌ها را ببینند بدون گزاره‌های خطاب‌آلود به مسئولین کشور این شکاف پر شدنی خواهد بود و به امنیت و آزادی بیشتری خواهیم رسید.

> درست است که آقای خاتمی سال‌های گذشته که هنوز چالش‌های داخلی تا این حد عمیق نشده بود، در عرصه بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها را مطرح کردند و سپس در عرصه داخلی نیز آشتی ملی را که ترجمان دیگری از گفت‌وگو است، مطرح کردند و با اصولگرایان حقیقی و حقوقی نیز به جمع هواداران و باورمندان این باور که کلیدی‌ترین راه کاهش سطح نزاع کنونی است، پیوسته‌اند

در چند روز گذشته رسانه‌های دولت سیزدهم در حوزه افزایش قیمت‌ها از جمله افزایش قیمت دلار و سکه توپ را به زمین دولت قبل انداخته‌اند و روحانی و تیمش را متهم می‌کنند که بانیان وضع موجود هستند. این نگاه دولت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

فرض کنیم این گزاره‌ها درست است خیلی خوب. آقای رئیس‌جمهور که از ۱۵ مرداد ۱۴۰۰ رئیس‌جمهور بوده‌اند و آقای روحانی از آن تاریخ به بعد دیگر در ایران کاره‌ای نیست. فرض محال که محال نیست، مسبب همه شاخص‌های منتهی به ۱۵ مرداد آقای روحانی، در آن زمان دلار چقدر بود و امروز چقدر است به میزانی که به نظر می‌رسد رسانه‌های گروهی در ایران تا حدودی در این زمینه افراق کرده‌اند.

رسانه‌های ایران به دلیل اینکه بچه به عنوان متحد استراتژیک ایران بیانیه‌ای ضد ایرانی را امضا کرده نسبت به موضوع حساس شده‌اند. اگر قرارداد چین و کشورهای عربی در حد تفاهم‌نامه بوده و برای این کشورها رقم قابل توجهی به‌شمار نمی‌رود، چرا چین با کشورهای عربی در صدور بیانیه علیه ایران مشارکت داشته است؟ هدف چین از این اتفاق چه بوده است؟

موضوع مهمی که در این مساله وجود دارد این است که چین در یک سفر کاری و اقتصادی به مسائلی ورود کرده است که دخالت در امور کشور دیگری به شمار می‌رود. چین در این بیانیه از این موضوع حمایت کرده که ایران جزایر سه‌گانه را که متعلق به خاک خود بوده را به امارات متحده عربی بدهد. این یک دخالت آشکار در امور داخلی ایران به شمار می‌رود و موضوعی است که ارتباطی به چین ندارد.

> من معتقدم گرایش چین به سمت عربستان و یا کشورهای حاشیه خلیج فارس یک امر طبیعی است. چین نیز به دنبال پیدا کردن بازارهای جدید است و این رویکرد را تنها در خاورمیانه دنبال نمی‌کند، بلکه در آفریقا و آمریکای لاتین نیز همین رویکرد را دنبال می‌کند

وزارت امور خارجه باید به این موضوع واکنش مناسبی نشان می‌داد و عنوان می‌کرد اگر شما از جدا شدن جزایر سه‌گانه از ایران حمایت می‌کنید ما نیز تایوان را به عنوان یک کشور مستقل به رسمیت می‌شناسیم. این در حالی است که تایوان به عنوان یک کشور مستقل عضو سازمان ملل متحد است و دارای ساختار سیاسی است. شاید در گذشته این کشور جزئی از خاک چین به شمار می‌رفته، اما در شرایط کنونی یک کشور مستقل به شمار می‌رود. این وضعیت مانند این است که ایران عنوان کند جمهوری آذربایجان زمانی عضو ایران بوده و امروز نیز باید جزئی از خاک ایران باشد. این در حالی است که معادلات جهانی تغییر کرده و امروز باید برخی از واقعیت‌های سیاسی از آن تاریخ که بگذریم و علت وضع سابق را دولت روحانی و توابع آن بدانیم، با همان استدلال مصوب بدتر شدن وضع مردم از ۲۵ مرداد ۱۴۰۰ تا به امروز این دولت است. ضمن اینکه به نظر من اگر پرونده هسته‌ای که تمام شده بود و آن را به سرانجام می‌رساندند، امروز با بسیاری از شاخصه‌های منفی اقتصادی مواجه نبودیم.

این روزها بحث تغییرات در دولت و کارآمدی مطرح است. این اقدامات از سوی دولت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ با چنین تغییراتی مشکلات رفع خواهد شد؟

تا زمانی که دکترین دولت در اداره کشور ارتقای سطح پیدا نکند و تئوری کشورداری مورد بازنگری و غنی‌سازی واقع نگردد آمد و رفت افراد در صف و ستاد دولت به تنهایی نمی‌تواند چاره‌ساز باشد. اگر به آخرین موضع‌گیری آقای رئیس‌جمهور دقت کنیم سالانه یک میلیون مسکن را محقق کند و می‌فرمایند چرا نشدنی نباشد زیرا ما زمین داریم و مصالح ساختمانی هم داریم. انکار چهار میلیون مسکن ساختن در این کشور فقط زمین می‌خواهد و سیمان و میلگرد؛ در صورتی که وزیر تازه رأی اعتماد گرفته ایشان اعلام کرده است که تامین مالی چنین پروژه‌هایی بیش از دو برابر بودجه عمرانی یک سال کشور هزینه می‌خواهد. بنابراین تا زمانی که مسئولان ارشد کشور به خصوص در سطح دولت اگر در سطح نظری مبتنی بر تجارب قابل استناد بشری و واقعیات ایران از یک نظریه متقن علمی و مجاب کننده و کارآمد کشورداری برخوردار نباشند رفت و آمد افرادی مانند بذرپاش به جای مرحوم قاسمی به تنهایی کاری را پیش نخواهد برد.

> تا زمانی که دکترین دولت در اداره کشور ارتقای سطح پیدا نکند و تئوری کشورداری مورد بازنگری و غنی‌سازی واقع نگردد آمد و رفت افراد در صف و ستاد دولت به تنهایی نمی‌تواند چاره‌ساز باشد

با لاخره دولت تلاش‌هایی دارد و دست روی دست نگذاشته، رئیسی باید کار کند تا شرایط کشور بهتر شود؟

ابتدا اصلاح و دگرگونی در بینش برخی مسئولان کشور باید حاصل شود تا بعد به آن اساس با آسیب‌شناسی‌های به عمل آمده و انتخاب راهبردهای صحیح در حوزه اجرا و عمل قدم‌های متناسب آغاز شود. من قدم اول را در ناکافی بودن تئوری کشورداری قوه مجریه می‌دانم. در این معنا که دولت باید با کدام رویکرد به سمت حل مسائل و چالش‌ها گام بردارد و شاید هم اولویت‌های موجود را به خوبی نمی‌داند، چرا که اگر این چنین بود و دولت می‌توانست اولویت‌های حل مشکلات کشور را تشخیص دهد باید تمام هم و غم خود را بر روی حل مشکلات و مسائل کشور می‌گذاشت و برای نمونه در زمینه پرونده هسته‌ای گام‌هایی برمی‌داشت تا احیای برجام صورت گیرد.

سوال آخر اینکه به نظر شما آیا شرایط به گونه‌ای است که گفت‌وگو برای رسیدن به راه‌حل مشکلات، مورد پذیرش قرار گیرد؟

می‌توان به‌عنوان کارآمدترین سازوکار از گفت‌وگو استفاده کرد. این روش در قیاس با سایر شیوه‌ها می‌تواند اثرگذارتر و کارآمدتر باشد. گفت‌وگو در شرایط واقعی حداقل دو طرف را در برمی‌گیرد. یک‌طرف گفت‌وگو در سمت دیگر دولت به‌معنای نظام حکمرانی است. آنچه که به‌صورت واقعی امروز در صحنه سیاسی، اجتماعی و حکمرانی کشور هویداست این است که کل معترضین بالقوه و بالفعل ناراضی از شرایط کشور، یک‌طرف گفت‌وگوی احتمالی هستند و طرف دوم، دولت به معنای قرار دارد. طبیعتا در صورتی امکان گفت‌وگو برای مبادله پیام فراهم می‌شود که طرفین اختلاف اولا ضرورت مبادله پیام بین یکدیگر را باور داشته باشند، ثانیا ساز و کار انتقال پیام را هم تعریف کنند و ثالثا محتوای پیام و البته نقاط تمرکز اختلاف درباره نحوه اداره کشور در قالب چارچوب گفت‌وگو پیشاپیش روشن شده باشد. درست است که آقای خاتمی سال‌های گذشته که هنوز چالش‌های داخلی تا این حد عمیق نشده بود، در عرصه بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها را مطرح کردند و سپس در عرصه داخلی نیز آشتی ملی را که ترجمان دیگری از گفت‌وگو است، مطرح کردند؛ اما برخلاف سال‌های گذشته می‌توان به راحتی حدس زد که امروز کثیری از اصولگرایان حقیقی و حقوقی نیز به جمع هواداران و باورمندان این باور که کلیدی‌ترین راه کاهش سطح نزاع گفت‌وگو است، پیوسته‌اند.

> تا زمانی که دکترین دولت در اداره کشور ارتقای سطح پیدا نکند و تئوری کشورداری مورد بازنگری و غنی‌سازی واقع نگردد افراد در صف و ستاد دولت به تنهایی نمی‌تواند چاره‌ساز باشد

> من فکر می‌کنم دولت تا وارد مشکلات زندگی روزمره مردم نشود نخواهد توانست تحلیل صحیح ارائه دهد و به علت‌پردازی شرایط اقتصادی موجود بپردازد و تا دولت به این مهم نرسیده است که به سمتی حرکت کند که شکاف گفتمانی بین واقعیت جامعه که مورد مطالبه اکثریت مردم هست را با گفتمان رایج حود کم کند

این وضعیت و قرارداد چین با کشورهای متخاصم ایران در منطقه چه پیامدهای اقتصادی برای ایران خواهد داشت؟

هنوز به صورت دقیق مشخص نشده که قرارداد چین با کشورهای عربی شامل چه مواردی می‌شود. من معتقدم گرایش چین به سمت عربستان و یا کشورهای حاشیه خلیج فارس یک امر طبیعی است. چین نیز به دنبال پیدا کردن بازارهای جدید است و این رویکرد را تنها در خاورمیانه دنبال نمی‌کند، بلکه در آفریقا و آمریکای لاتین نیز همین رویکرد را دنبال می‌کند. دلیل این موضوع این است که چین نیازمند منابع انرژی و معدنی است. این کشور برای پروژه‌های صنعتی خود به مواد اولیه‌ای نیاز دارد که همه آنها در چین وجود ندارد. شاید چین از نظر استراتژیک پشت ایران را خالی کرده باشد که هنوز به صورت دقیق نمی‌توان در این زمینه اظهارنظر کرد. اما این وجود اینکه این کشور روابط خود را با کشورهای خاورمیانه افزایش بدهد یک امر طبیعی است و حق طبیعی هر کشوری است که منافع ملی خودش را دنبال کند. نکته دیگر اینکه وابستگی کشورهایی مانند عربستان به تکنولوژی آمریکا به اندازه‌ای است که قرارداد ۲۹ میلیاردی با چین تأثیری بر روند این کشور ندارد. این در حالی است که عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس از نظر وضعیت ترانزیت کالا، تنوع مواد معدنی، نفت و داشتن بزرگ‌ترین منابع گاز طبیعی جهان مانند ایران نیستند و ایران به مراتب در وضعیت بهتری نسبت به چایی نخواهد برد.

> برای عربستان که پروژه‌های بزرگی مانند «شهر نئوم» را با ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری آغاز کرده و در زمینه گاز نیز به دلیل کمبودهایی که در این زمینه دارد ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه کرده است رقمی مانند ۲۹ میلیارد دلار زیاد قابل توجه نیست. این در حالی است که هنوز مشخص نشده این قرارداد مربوط به چه پروژه‌هایی است. من فکر می‌کنم این موضوع بیشتر در حد تفاهم‌نامه باشد تا قراردادهای واقعی

آرمان ملی - احسان انصاری: اتفاق بازرگانی ایران به این تازگی گزارشی منتشر کرده و در آن به پیامدهای اقتصادی قرارداد چین با کشورهای عربی پرداخته است. در این گزارش به مهم‌ترین چالش‌های برای اقتصاد ایران اشاره شده است. به همین دلیل امروز افکار عمومی جامعه با این سوالات مواجه هستند که هدف چین از سرمایه‌گذاری در کشورهای عربی چیست؟ آیا چین به دلیل تحریم‌ها و وضعیت داخلی ایران از بازار ایران ناامید شده است؟ قرارداد چین و عربستان و کشورهای عربی چه پیامدهای اقتصادی برای ایران خواهد داشت؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر بهمن آرمان، اقتصاددان گفت‌وگو کرده است. آرمان معتقد است: «آنچه در رسانه‌های گروهی در این‌ایران درباره قرارداد چین و عربستان انعکاس پیدا کرد با اغراق و بزرگ نمایی همراه بود. براساس اخباری که در این زمینه منتشر شده است قرارداد بین عربستان و چین در حدود ۲۹ میلیارد دلار است و از سوی دیگر چین قراردادی ۶۰ میلیاردی برای خرید گاز مایع از قطر امضا کرده است. هنوز مشخص نیست مدت زمان این قرارداد چه مدت است و طرفین چه تعهداتی به هم داده‌اند. این در حالی است که شرکت‌های آمریکایی گاز مایع قطر را پیش خرید کرده‌اند. در نتیجه این احتمال وجود دارد که مدت این قرارداد ۲۰ ساله باشد و در چنین شرایطی رقم این قرارداد زیاد بالا و قابل توجه نیست. رقم قرارداد چین و عربستان نیز ۲۹ میلیارد دلار است که برای عربستان رقم زیادی نیست. شاید این رقم برای ایران در شرایط کنونی قابل توجه باشد، اما برای کشورهایی مانند عربستان رقم بالایی به شمار نمی‌رود.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

مهم‌ترین اهداف چین از قرارداد با کشورهای عربی چیست؟ چین چه اهدافی را در منطقه خاورمیانه دنبال می‌کند؟

چین نیز مانند هر کشور دیگری به دنبال منافع ملی و اهدافی است که بتواند نیازهای این کشور را تأمین کند. تاکنون نیز بیشتر روابط اقتصادی این کشور با آمریکا بوده و در مرحله بعد اتحاد به اروپا قرار داشته است. با این وجود در شرایط کنونی به دلایل مختلف روابط بین چین و کشورهای غربی تیره شده است. این در حالی است که این کشور نیاز به انرژی دارد و براساس برآوردهای صورت گرفته در حدود ۶۰ درصد منابع نفت و گاز چهان در این منطقه قرار دارد و به همین دلیل منطقه خاورمیانه از نظر منابع انرژی یک منطقه مهم و استراتژیک به شمار می‌رود. در شرایط کنونی نشانه‌هایی نیز وجود ندارد که انرژی‌های تجدیدپذیر بتوانند جایگزین نفت شوند. ضمن اینکه آمریکایی‌ها از نفت نه به عنوان یک ابزار صرف اقتصادی، بلکه به عنوان یک ابزار سیاسی استفاده می‌کنند. این موضوع می‌توان تأمین انرژی را برای چین دشوار کند. عربستان سعودی و کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز هم از نظر صادرات نفت و گاز در شرایط خوبی قرار دارند و هم اینکه بازار خوبی برای کشور چین به شمار می‌روند. به همین دلیل من معتقدم آنچه در رسانه‌های گروهی در ایران درباره قرارداد چین و عربستان انعکاس پیدا کرد با اغراق و بزرگ‌نمایی همراه بود. براساس اخباری که در این زمینه منتشر شده است قرارداد بین عربستان و چین در حدود ۲۹ میلیارد دلار است و از سوی دیگر چین قراردادی ۶۰ میلیاردی برای خرید گاز مایع از قطر امضا کرده است. هنوز مشخص نیست مدت زمان این قرارداد چه مدت است و طرفین چه تعهداتی به هم داده‌اند. این در حالی است که شرکت‌های آمریکایی گاز مایع قطر را پیش خرید کرده‌اند. در نتیجه این احتمال وجود دارد که مدت این قرارداد ۲۰ ساله باشد و در چنین شرایطی رقم این قرارداد زیاد بالا و قابل توجه نیست. رقم قرارداد چین و عربستان نیز ۲۹ میلیارد دلار است که برای عربستان رقم زیادی نیست. شاید این رقم برای ایران در شرایط کنونی قابل توجه باشد اما برای کشورهایی مانند عربستان رقم بالایی به شمار نمی‌رود. برای عربستان که پروژه‌های بزرگی مانند «شهر نئوم» را با ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری آغاز کرده و در زمینه گاز نیز به دلیل کمبودهایی که در این زمینه دارد ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه کرده است رقمی مانند ۲۹ میلیارد دلار زیاد قابل توجه نیست. این در حالی است که هنوز مشخص نشده این قرارداد مربوط به چه پروژه‌هایی است. من فکر می‌کنم این موضوع بیشتر در حد تفاهم‌نامه باشد تا قراردادهای واقعی. در سفر آقای روحانی به ایتالیا و فرانسه نیز تفاهم‌هایی برای خرید هواپیما و اجرای پروژه‌های صنعتی در ایران صورت گرفت. با این وجود در عمل اقدام خاصی صورت نگرفت. به همین دلیل به نظر می‌رسد رسانه‌های گروهی در ایران تا حدودی در این زمینه افراق کرده‌اند.

رسانه‌های ایران به دلیل اینکه چین به عنوان متحد استراتژیک ایران بیانیه‌ای ضد ایرانی را امضا کرده نسبت به موضوع حساس شده‌اند. اگر قرارداد چین و کشورهای عربی در حد تفاهم‌نامه بوده و برای این کشورها رقم قابل توجهی به‌شمار نمی‌رود، چرا چین با کشورهای عربی در صدور بیانیه علیه ایران مشارکت داشته است؟ هدف چین از این اتفاق چه بوده است؟

موضوع مهمی که در این مساله وجود دارد این است که چین در یک سفر کاری و اقتصادی به مسائلی ورود کرده است که دخالت در امور کشور دیگری به شمار می‌رود. چین در این بیانیه از این موضوع حمایت کرده که ایران جزایر سه‌گانه را که متعلق به خاک خود بوده را به امارات متحده عربی بدهد. این یک دخالت آشکار در امور داخلی ایران به شمار می‌رود و موضوعی است که ارتباطی به چین ندارد.

وزارت امور خارجه باید به این موضوع واکنش مناسبی نشان می‌داد و عنوان می‌کرد اگر شما از جدا شدن جزایر سه‌گانه از ایران حمایت می‌کنید ما نیز تایوان را به عنوان یک کشور مستقل به رسمیت می‌شناسیم. این در حالی است که تایوان به عنوان یک کشور مستقل عضو سازمان ملل متحد است و دارای ساختار سیاسی است. شاید در گذشته این کشور جزئی از خاک چین به شمار می‌رفته، اما در شرایط کنونی یک کشور مستقل به شمار می‌رود. این وضعیت مانند این است که ایران عنوان کند جمهوری آذربایجان زمانی عضو ایران بوده و امروز نیز باید جزئی از خاک ایران باشد. این در حالی است که معادلات جهانی تغییر کرده و امروز باید برخی از واقعیت‌های سیاسی و دیپلماتیک را پذیرفت. امروز جمهوری آذربایجان یک کشور مستقل است و ما نیز به عنوان یک کشور مستقل با این کشور ارتباط داریم. جزایر سه گانه همواره برای ایران دارای حساسیت بوده است. مرحوم هاشمی زمانی که در قید حیات بودند یک بار عنوان کردند: «اگر کسی می‌خواهد به این جزایر دسترسی پیدا کند باید از دریایی از خود بگذرد.» سردار باقری رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح نیز به تازگی واکنشی در این زمینه داشتند که مورد تقدیر مردم قرار گرفت. چین همواره به دنبال منافع خود بوده است. به تازگی نیز یک هیات ۷۰ نفره را به ایران فرستاده که براساس دلایلی نامشخص هیچ‌گونه قراردادی در این سفر بین ایران و چین امضا نشد. آقا صفری که معاون اقتصادی وزارت امور خارجه است نیز در تشریح جزئیات این سفر در تلویزیون اشاره‌ای به دلایل این سفر نکردند. این در حالی است که کریدور شمال- جنوب که قسمت‌هایی از آن هنوز به صورت آزاراه ساخته نشده و یا راه‌آهن تندروی تهران- مشهد یا افزایش ظرفیت کارخانه آلومینیوم در منطقه ویژه پارسیان از جمله پروژه‌هایی است که در این سفر می‌توانست مورد بحث و تبادل نظر قرار بگیرد. در شرایط کنونی ایران در وضعیت تحریم قرار دارد که به نظر می‌رسد برخی کشورها از این وضعیت سوءاستفاده می‌کنند.

> من معتقدم گرایش چین به سمت عربستان و یا کشورهای حاشیه خلیج فارس یک امر طبیعی است. چین نیز به دنبال پیدا کردن بازارهای جدید است و این رویکرد را تنها در خاورمیانه دنبال نمی‌کند، بلکه در آفریقا و آمریکای لاتین نیز همین رویکرد را دنبال می‌کند

آیا چین نیز جز همین کشورهاست؟

بله، چین نیز از جمله همین کشورهاست. البته چین به تنهایی نیست. عراق نیز همین وضعیت را دارد. در شرایط کنونی عراق‌ها تمایلی به احیای بندر بصره ندارند. احیای بندر بصره به راوندرود متصل است. این در حالی است که کشتی‌هایی که در زمان جنگ در این منطقه غرق شده‌اند هنوز در سر جای خود قرار دارند و در دهانه قاو عراقی‌ها یک بندر بزرگ ساخته‌اند. به‌رغم اینکه در سفر نخست وزیر عراق به ایران مقامات ایران عنوان کردند که شرایط پروژه شلمچه به بصره فراهم شود که پاسخ مناسبی از سوی نخست وزیر عراق به این موضوع داده نشد. من فکر می‌کنم یکی از دلایلی اینکه در سفر هیات ۷۰ نفره چینی‌ها به ایران این است که چین از شرایط داخلی ایران آگاه است و به همین دلیل قیمت‌هایی را برای همکاری با ایران پیشنهاد می‌کنند که هیچ مسئول دولتی در ایران زیر بار این قیمت‌ها نمی‌رود و آن را نمی‌پذیرد. در دولت آقای هاشمی پروژه پالایشگاه خلیج فارس آغاز شد که قرار بود در آینده ظرفیت آن دوبرابر شود. با روی کار آمدن دولت آقای خاتمی این کار عملی نشد. ایران برای این پالایشگاه ۱/۲ میلیارد دلار پرداخت کرد. اما در حالی است که چینی‌ها برای بازسازی پالایشگاه آبادان و افزایش ظرفیت آن قراردادی را با ایران امضا کردند که مبلغ آن ۲۴ میلیارد دلار است. این در حالی است که تعهدات خود را در این زمینه به بهانه کرونا ترک کردند و مشخص نیست که بازسازی پالایشگاه آبادان چه زمانی به پایان خواهد رسید. روسیه نیز همین رویکرد را در مقابل ایران در پیش گرفته است. روسیه برای راه‌آهن رشت به استارا عنوان کرده که عرض این راه‌آهن را همانند راه‌آهن‌های این کشور می‌سازد. طبیعی است که چنین مسأله‌ای برای ایران قابل پذیرش نیست. روسیه در دوران جنگ سرد عرض راه‌آهن خود را افزایش داد تا کشورهای دیگر نتوانند از طریق راه‌آهن به این کشور نفوذ کنند. به همین دلیل راه‌آهن این کشور برای کشورهای دیگر قابل استفاده نیست. به همین دلیل در شرایطی که ایران با تحریم‌های بین‌المللی مواجه است کمتر کشوری حاضر می‌شود با ایران قراردادهایی ببندد که نیاز داشته باشد وارد تبادلات ارزی شود.

> برای عربستان که پروژه‌های بزرگی مانند «شهر نئوم» را با ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری آغاز کرده و در زمینه گاز نیز به دلیل کمبودهایی که در این زمینه دارد ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه کرده است رقمی مانند ۲۹ میلیارد دلار زیاد قابل توجه نیست. این در حالی است که هنوز مشخص نشده این قرارداد مربوط به چه پروژه‌هایی است. من فکر می‌کنم این موضوع بیشتر در حد تفاهم‌نامه باشد تا قراردادهای واقعی

این وضعیت چین با کشورهای متخاصم ایران در منطقه چه پیامدهای اقتصادی برای ایران خواهد داشت؟

هنوز به صورت دقیق مشخص نشده که قرارداد چین با کشورهای عربی شامل چه مواردی می‌شود. من معتقدم گرایش چین به سمت عربستان و یا کشورهای حاشیه خلیج فارس یک امر طبیعی است. چین نیز به دنبال پیدا کردن بازارهای جدید است و این رویکرد را تنها در خاورمیانه دنبال نمی‌کند، بلکه در آفریقا و آمریکای لاتین نیز همین رویکرد را دنبال می‌کند. دلیل این موضوع این است که چین نیازمند منابع انرژی و معدنی است. این کشور برای پروژه‌های صنعتی خود به مواد اولیه‌ای نیاز دارد که همه آنها در چین وجود ندارد. شاید چین از نظر استراتژیک پشت ایران را خالی کرده باشد که هنوز به صورت دقیق نمی‌توان در این زمینه اظهارنظر کرد. اما این وجود اینکه این کشور روابط خود را با کشورهای خاورمیانه افزایش بدهد یک امر طبیعی است و حق طبیعی هر کشوری است که منافع ملی خودش را دنبال کند. نکته دیگر اینکه وابستگی کشورهایی مانند عربستان به تکنولوژی آمریکا به اندازه‌ای است که قرارداد ۲۹ میلیاردی با چین تأثیری بر روند این کشور ندارد. این در حالی است که عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس از نظر وضعیت ترانزیت کالا، تنوع مواد معدنی، نفت